



درآمد

شیخ عبد الکریم عبید یکی از هم رزمان و یاران شهید شیخ راغب حرب، و جانشین او در امامت نماز جمعه روستای حبشیت بوده است. هرچند که این یار وفادار و دیرینه تا کنون زنده مانده است. ولی او نیز از شر دشمن صهیونیستی در امان نبوده است. چه نظامیان اسرائیل در جریان هلی برد نظامی به روستای حبشیت شیخ عبد الکریم عبید را ربوده و به مدت ۱۴ سال و شش ماه در اسارت نگه داشتند. او قبل از اسارت طی سخنانی در نهمین سالگشت شهادت شیخ راغب حرب ابعاد و ویژگی های این شهید را تشریح کرد.

■ بررسی ابعاد شخصیت شهید شیخ راغب حرب از نگاه

اسیر آزاده شیخ عبد الکریم عبید

## شیخ شهید روحیه عشق و ایثارگری را گسترش داد...

شهروندان، اعم از زن و مرد، کوچک و بزرگ، برای حل مشکلات شان به شیخ راغب به عنوان یک روحانی آگاه و دانا رجوع می کردند. این یکی از نشانه های برجسته یک رهبر راستگو و یک پیشوای فداکار برای تحقق اهداف و خواسته های مردم می باشد. چه، سیاست جز تدبیر امور مردم و اداره امور آنان و هدایت آنان به سوی خیر و صلاح چیز دیگری نمی تواند باشد. اما با توجه به محدود بودن دامنه فعالیت های شیخ در محدوده روستای حبشیت و روستاهای منطقه، مردم ایشان را مستحق لقب مدیر توانا و سیاستمدار متعهد و مسئول طراز اول منطقه می دانستند. تنها با این وصف می توان گفت که یک روحانی متعهد، علم و عمل خود را ظاهر کرده و با اجرای احکام الهی آن علم را متجلی ساخته است و این نهایت مسئولیت و تعهد یک روحانی مجاهد فی سبیل الله است.

در ادامه نکته اول علاقمندم به ویژگی مهم دیگر شخصیت شیخ الشهدای مقاومت اسلامی اشاره کنم. وقتی شیخ راغب هنگام استراحت در منزل بدون لباس روحانیت بسر می برد، یا این که همراه گروهی از یاران نشسته بود و افرادی که او را نمی شناختند به ملاقات ایشان می آمدند، از آن جمع می پرسیدند کدام یک از شما شیخ راغب حرب می باشد؟! این نشان می دهد که ایشان آنقدر ساده می زیست و بگونه ای با مردم ساده رفتار می کرد و به راحتی با مسائل و مشکلات مردم رسیدگی می کرد که هیچ کسی تشخیص نمی داد راغب حرب کیست. خود را از سایر مردم متمایز نمی کرد، تا

آسایشگاه حضرت زینب (س) در نزدیکی شهرک حبشیت و رسیدگی به ایتمام بود. هنگامی که شیخ راغب به شهادت رسید ایتمام احساس کردند دوباره یتیم شده اند. به این دلیل شیخ راغب را یکی از برادران فعال و مجاهد

**یکی از اقدامات خدا پسندانه شهید شیخ راغب حرب احداث آسایشگاه حضرت زینب (س) در حبشیت و رسیدگی به افراد بی سرپرست بود. هنگامی که شیخ به شهادت رسید ایتمام احساس کردند دوباره یتیم شده اند.**

فی سبیل الله می خوانم که محور همه نوع فعالیت های جهادی و سیاسی بود. عموم مردم پیرامون این محور می چرخیدند و به رهنمودهای او عمل می کردند. به نمایندگی از سوی مردم سخن می گفت و خواسته بر حق آنان را پیگیری می کرد. به سخنان و آراء دیگران گوش می داد و در مسند قضاوت اسلام را مد نظر می گرفت و عادلانه میان مردم قضاوت می کرد. آنچه را که صحیح می پنداشت تجویز می کرد و هر چه را که غلط و نامناسب تشخیص می داد رها می کرد.

در نهمین سالگرد شهادت شیخ الشهدای مقاومت اسلامی لبنان، شهید شیخ راغب حرب مناسب دیدم پیرامون آن شخصیت بزرگ به دو نکته مهم اشاره کنم: نکته اول: ایشان امام جماعت زادگاهم روستای حبشیت و روحانی سرشناس منطقه و برادر و یاور من از سن کودکی تا زمان شهادت شان بوده است.

نکته دوم: به لحاظ مسئولیتی که بر دوش یک روحانی گذاشته شده و آرامی که این روحانی به خاطر حفظ منافع اسلام و اجرای احکام الهی دنبال می کند. بنابراین، زمانی که یک روحانی، امام جماعت یک روستا مانند روستای حبشیت می باشد. بهتر است در برابر همه چیز خود را مسئول بداند. شیخ شهید کسی بود که سعی داشت این احساس را نزد دیگران ایجاد کند. به همین خاطر ما همیشه فکر می کردیم که روستای ما مانند یک کشور، مستقل است. این تفکر و این عملکرد گرچه به ظاهر ساده بود ولی نشان دهنده جهانیابی اسلامی این شخصیت والا و بزرگ بود. ایشان این طرز فکر را به دیگران القاء می کرد که اسلام قادر است همه شئونات زندگی مسلمانان را اداره کند. به این ترتیب شهید شیخ راغب حرب با وجودی که امامت جمعه و جماعت روستای حبشیت را بر عهده داشت، اما در عین حال برادری مؤمن و دلسوز برای ساکنان همه مردم جنوب لبنان بود، و با توصیه ها و رهنمودهای خود آنان را به صراط مستقیم هدایت می کرد. عواطف و احساسات خود را از چهره هیچ شهروند یتیم و مستضعف پنهان نمی داشت. یکی از اقدامات خداپسندانه ایشان احداث

دریافت کرده و هدف بعثت را تشکیل داده حکومت حق و عدل را در زمین برپا می‌کند. بنابر این باوجودی که آماده سازی مردم کار بسیار آسانی می‌باشد، در عین حال با توجه به دوران غفلت و راحتی که شیخ راغب آن را دوران انقطاع یاد می‌کند سخت و دشوار به نظر می‌رسد. بنابر این برای ایجاد نسل جدید و آگاه به تعالیم اسلام راستین لازم است آگاهی عمومی را گسترش داد. روحیه عشق و اشتیاق به فداکاری و گذشت از جان و مال در راه اسلام را میان نسل جدید پرورش داد.

در این سخن کوتاه لازم می‌دانم خاطره مهمی از شهید شیخ راغب حرب نقل کنم. در حین اشغال لبنان توسط دشمن صهیونیستی، زمانی که برای اولین بار به شهرک جیشیت آمدم و با ایشان ملاقات کردم، از ایشان پرسیدم چه باید کرد و چگونه می‌خواهید با اشغالگران مقابله کنید؟ شیخ راغب با کلمات ساده ولی پر معنی و عمیق چنین پاسخ داد: «دشمن سرزمین‌مان را به اشغال در آورده و از مردم سلب آزادی کرده است. آب و منابع طبیعی کشورمان را غارت می‌کند. همه اینها مهم نیست! مهم این است که مغزها و اندیشه‌مان را اشغال نکنند. اگر همه چیزمان را ببرند برابرم مهم نیست، تنها چیزی که می‌خواهم باقی بماند این است که توانمندی‌مان را برای فرهنگ سازی و تربیت کودکان و جوانان‌مان بر اساس آنچه خدا خواسته است از ما نگیرند. مهمترین خطری که متوجه ما می‌شود همین است.»

بی تردید اسرائیل به درستی مفهوم این کلام را شناخت، در حالی که بزرگان قوم ما که ادعا می‌کنند همه چیز می‌دانند، نتوانستند مفهوم کلام شیخ راغب را درک نمایند. به همین خاطر شایسته می‌دانم شیخ شهید را رهبر و پیشگام مقاومت بدانم. زیرا کسی که به مقاومت انگیزه و مکانیزم می‌بخشد اصل است. اعتقادات و مبانی فکری پیشگامان مقاومت اصل است. شیخ راغب کوشید اعتقادات و باورهای خود را ابزاری برای مبارزه و بیرون راندن دشمنان خدا از سرزمین لبنان قرار دهد. کسانی که به دست شیخ راغب تربیت شدند، ابزار مقاومت بودند و جام خشم خود را بر سر دشمنان خدا و خلق فرو ریختند. بنابر این ما نباید ساکت و آرام بمانیم. گلوله‌هایی که بر قلب شهید نشستند و او را آرام کردند. امکان ندارد موجبات سکوت قلب‌ها و مغزهای جوانان تربیت شده شیخ راغب گردد. به عنوان آخرین سخن جمله معروف شیخ را نقل می‌کنم که مفهوم آن همچنان در گوشه‌ها و در افکار عمومی مردم زنده است. ایشان همواره می‌گفت: موضع‌گیری سلاح ماست... دست دادن با صهیونیست‌ها به معنی به رسمیت شناختن آنان است... شهدا رهبران امت هستند. ■

می‌دانم به این نکته اشاره کنم که وجود حضرت صاحب الامر مهدی موعود (عج) رهبر دیروز و امروز و فردای ماست. از این نظر رهبر دیروز است که هزار سال پیش متولد شده و رهبری امت را بر عهده داشته است. و به این دلیل رهبری امروز ماست که همچنان زنده است و منتظر دستور خدای بزرگ خویش است تا دوباره ظهور کند و زمین را از عدل و داد پر کند. چنانچه از ظلم و جور

پر شده است. همچنین از این نظر حضرت حجت (عج) رهبر فردای ماست، چون کسی است که با ظهور خود زمینه حکومت عدل اسلامی حضرت رسول (ص) و تعالیم ایشان را زنده می‌کند. و عزت و سربلندی حقیقی را به اسلام و مسلمانان باز می‌گرداند.

لذا با در نظر گرفتن این واقعیت‌هاست که نقش انسان مؤمن از طریق رفتار و منش و هدف والایی که در سر می‌پروراند آشکار می‌گردد. شیخ شهید بر اساس این دیدگاه عمل می‌کرد و برای ایشان مهم نبود که حضرت ولی عصر (عج) امروز ظهور کند یا فردا ظهور کند. آنچه برای ایشان اهمیت داشت آماده سازی مردم برای پذیرش ظهور منجی و حرکت در رکاب حضرت مهدی به منظور آزاد سازی مردم جهان بود. و این آماده سازی دو مطلب اساسی را ایجاب می‌کند:

مطلب اول این است که تلاش ما به تشکیل یک حکومت اسلامی در یک محدوده جغرافیایی کوچک و با حداقل امکانات متمرکز نباشد. و اگر هم به چنین حکومتی دسترسی پیدا کنیم گمان نکنیم که کارمان و وظایف‌مان تمام شده است و احساس راحتی کنیم. این یک طرز فکر سطحی و در شأن یک عالم آگاه و عارف نیست. شیخ راغب در این رابطه می‌گوید: اگر ما حکومت جهانی و حکومت مستضعفین به رهبری امام زمان را می‌خواهیم باید بدانیم هر گامی که در این راه بر می‌داریم همچون تشکیل جمهوری اسلامی در ایران یا در هر جای دیگر دنیا یک کار ستودنی است و باید برای تحقق آن تلاش کنیم به شرط این که هدف عالی و نهایی آخرین اقدام و آخرین هدف ما نباشد. باید هدف نهایی ما برقراری حکومت عدل الهی در سرتاسر جهان باشد. و همین مسئله دیدگاه جهان شمولی به اسلام و به زندگی اجتماعی انسان‌ها



دیگران احساس نکنند که ایشان از دیگران برتری دارد. شیخ راغب بسیار فروتن بود و عموم مردم به آسانی به ایشان دسترسی داشتند. هیچ کسی دست خالی از خانه او باز نمی‌گشت. رفتار اسلامی شیخ راغب یادآور رفتار رسول الله (ص) است. هنگامی رسول خدا میان یاران خود نشست بود و افرادی که ایشان را نمی‌شناختند و وارد محضر او می‌شدند، می‌پرسیدند کدام یک از شما محمد (ص) می‌باشند؟ و اگر از محضر پیامبر حاجتی داشتند حاجت‌شان را بر آورده می‌کرد.

در ادامه نکته دوم، به احکام اسلامی و مسئولیت‌هایی که بر دوش عالمان متعهد گذاشته شده و اهدافی را که باید دنبال نماید اشاره می‌کنم. در حقیقت اسلام دینی است که بر همه پیامبران نازل شده و باید شناخته شود و به آن عمل شود. تطبیق عملی دین اسلام یک مسئله بزرگ در جهان امروز است و شیخ راغب حرب با توجه به این مسئله سعی کرد به مردم بفهماند که اسلام و احکام آن و عمل و تطبیق این احکام امری واجب است و شرعاً

**شیخ راغب حرب کوشید باورهای خود را ابزاری برای مبارزه و بیرون راندن دشمنان خدا از سرزمین لبنان قرار دهد. کسانی که در مکتب او تربیت شدند، ابزار مقاومت بودند و جام خشم خود را بر سر دشمنان خدا فرو ریختند.**

نمی‌توان آنها را نادیده گرفت یا در اجرای آنها ضعف نشان داد.

به نظر من یکی از ابعاد مهم شخصیت شیخ راغب حرب این است، که ایشان نماد یک عالم بزرگ و متعهد دوران معاصر خود بود. شرایط دیروز و امروز را شناخته بود. واقعیت‌های خوب و بد را تشخیص داده بود، و با دید باز به مسائل نگاه می‌کرد. حرکت خود را بر اساس شناخت شرایط و واقعیت‌ها منظم ساخت و برای آینده‌ای بهتر برنامه ریزی کرد.

با توجه به این که من و شیخ معتقد بودیم که دیروز و امروز و فردا به هم پیوسته‌اند، و به وجود خداوند ابدی و سرمدی و نیز به رسالت پیامبران از آدم گرفته تا رسول الله (ص) و به نقش امامان از حضرت امیر المؤمنین (ع) گرفته تا حضرت صاحب الزمان (عج) ایمان داشتیم لازم

